

انقلاب فرهنگی سوم ایران

به قلم سعید گلکار (/fa/experts/syd-glkar-0/)

۵ مارس ۲۰۲۲

همچنین دست‌یافتنی به

/ (English (/policy-analysis/irans-third-cultural-revolution

العربية (/ar/policy-analysis/althwrt-althqafyt-althaltht-fy-ayran/)

درباره نویسنده

سعید گلکار (/fa/experts/syd-glkar-0/)

سعید گلکار هموند مرکز روبرتا بافه (Roberta Buffett) برای مطالعات بین‌المللی و تطبیقی در دانشگاه نورث‌وسترن است

تحلیل کوتاه

ابراهیم رئیسی برنامه آیت‌الله خامنه‌ای را برای اسلامی‌سازی نظام آموزش عالی شتاب می‌بخشد ولی توجهی به این ندارد که برنامه‌های پیشین تا چه حد رتبه منطقه‌ای ایران را در حوزه آموزش عالی تنزل داده است

در موج دیگری از اخراج‌ها طی چند هفته گذشته چهار استاد دیگر دانشگاه در ایران اخراج شدند: محمد فاضلی، رضا امیدی، آرش اباذری و آرزو رحیم‌خانی. حذف آن‌ها اساساً نقطه اوج دور سوم انقلاب فرهنگی در جمهوری اسلامی است.

از سال ۱۹۷۹ ایران تلاش کرده از طریق دو دور قبلی انقلاب فرهنگی دانشگاه‌ها را کنترل کند: اولی در ۸۵-۱۹۸۱ تحت رهبری آیت‌الله خمینی و دومی در ۲۰۰۹-۲۰۰۵ در دوره ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد. «شورای اسلامی‌شدن دانشگاه‌ها» که زیرمجموعه شورای عالی انقلاب فرهنگی است نهاد اصلی ناظر بر این پروژه بوده است. اخراج دانشجویان و استادان از سال ۱۹۷۹ جریان داشته است. طی اولین انقلاب فرهنگی تقریباً ۵۰ هزار دانشجوی مخالف از دانشگاه‌ها اخراج شدند و بیش از یک‌سوم اعضای هیئت علمی یا اخراج شدند یا به خاطر سرکوب سیاسی به اجبار مهاجرت کردند.

در این میانه جمهوری اسلامی با ایجاد یک سیستم سهمیه‌بندی پذیرش مدرسان و دانشجویان طرفدار رژیم را تسهیل کرده است. تقریباً ۷۰ درصد کرسی‌های دانشگاه به دانشجویان سهمیه‌دار می‌رسد. از جمله اعضای خانواده یا افرادی که با «ایثارگران» یا نهادهای مختلف بسیج پیوند دارند. به علاوه رژیم خود را به اقداماتی از قبیل تفکیک جنسیتی و اعمال نظارت اخلاقی «پاکسازی» مواد درسی از محتوای غیراسلامی یا هرگونه فلسفه مادی‌گرا و ترویج مطالعات قرآنی در تمام رشته‌های تحصیلی ملزم کرده است.

در سال ۲۰۱۳ شورای یادشده «سند دانشگاه اسلامی» را تصویب کرد که اهداف و استراتژی‌های جدید برای اسلامی‌کردن دانشگاه‌ها را تدوین کرده است. ولی در دوران ریاست‌جمهوری حسن روحانی به علت عدم اعتماد دولت به این پروژه این سند کامل اجرا نشد. در یک مورد روحانی با تمسخر این پروژه گفت: «ریاضی، فیزیک یا شیمی اسلامی وجود ندارد... نمی‌توانید یک قرآن در داشبورد بگذارید و بگویید این ماشین اسلامی است». بر اساس ماموریت این شورا دانشجویانی که فعالانه متمرّد هستند باید از تحصیلات دانشگاهی محروم شوند. ولی در سال ۲۰۱۹ دولت روحانی لایحه‌ای را به مجلس فرستاد که بازگشت دانشجویان اخراجی به دانشگاه‌ها را تسهیل کند. بر اساس این قانون معیار پذیرش در همه سطوح آموزش صرفاً باید شایستگی علمی باشد نه گرایش سیاسی دانشجویان.

وقتی ابراهیم رئیسی در سال ۲۰۲۱ رئیس‌جمهور شد در اولین گام برای کنترل مجدد دانشگاه‌ها و ازسرگیری پروژه اسلامی‌سازی لایحه اصلاحی را پس گرفت. این تغییر بخشی از برنامه او حتی در جریان تبلیغات انتخاباتی‌اش برای انتخابات سال ۲۰۱۷ بود. به اعتقاد رئیسی

دانشجویان نباید از دین و اخلاقیات جدا باشند^۱ او برای همین از سازمان‌های دانشجویی استادان اعضای ارشد دانشگاه‌ها و دانشجویان خواست به دولت کمک کنند تا برنامه اسلامی‌سازی را دنبال کنند^۲

رئیس‌ی همین‌طور محمد علی زلفی‌گل را به عنوان وزیر علوم تحقیقات و فناوری گماشت و او را مأمور اصلی پیاده‌سازی این پروژه در دانشگاه کرد^۳ زلفی‌گل که استاد دانشگاه و عضو شبه‌نظامیان بسیج بوده است سند دانشگاه اسلامی را ستود و آن را متنی زیبا و جامع خواند و قول داد که «اسلامی شدن دانشگاه‌ها در این دولت محقق شود». همین‌طور وزیر بهداشت و آموزش پزشکی رئیس‌ی بهرام عین‌اللهی عضو سابق سپاه پاسداران رئیس سازمان بسیج پزشکی و مدیر تمام دانشکده‌های پزشکی ایران گفت که بر اجرای این سند «اصرار» دارد^۴ از وقتی استقلال نسبی دانشگاه‌ها گرفته شد تمام رؤسای دانشگاه‌ها و حتی معاونان‌شان از سوی این دو وزیر جدید منصوب شده‌اند که در مرحله بعد باید از شورای عالی انقلاب فرهنگی تایید بگیرند^۵ این‌گونه افراد که عمدتاً از سازمان بسیج برای تدریس می‌آیند فاقد صلاحیت علمی هستند ولی به هدف رژیم برای اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها کمک می‌کنند^۶

یک نمونه از این افراد محمد مقیمی استاد مدیریت است که به ریاست دانشگاه تهران قدیمی‌ترین و معتبرترین دانشگاه کشور منصوب شده است^۷ او که طرفدار مدیریت اسلامی است عضوی از شورای «تحول علوم انسانی» بوده که در اواخر سال ۲۰۰۹ تأسیس شد یعنی بعد از آنکه علی خامنه‌ای رهبر ایران درباره علوم انسانی و اجتماعی گفت: «این فلسفه‌ها مبنایش حیوان انگاشتن انسان است عدم مسئولیت انسان در قبال خداوند متعال است^۸ خب این علوم انسانی را به جوان خودمان تعلیم بدهیم در واقع شکاکیت و تردید و بی‌اعتقادی به مبانی الهی و اسلامی را به جوان‌ها منتقل کنیم این چیز خیلی مطلوبی نیست^۹»

همانند موج‌های پیشین انقلاب فرهنگی موج سوم شاهد اخراج یا تبعید استادان و دانشجویان دگراندیش همراه با تشویق به استخدام افراد طرفدار رژیم خصوصاً در علوم اجتماعی و علوم انسانی خواهد بود^{۱۰} استفاده از استادان بسیجی دقیقاً همان چیزی است که معاون سیاسی سپاه از دولت رئیس‌ی خواست^{۱۱} سردار یدالله جوانی اخیراً گفت: «دولت رئیس‌ی فرصتی طلایی برای نظام فراهم می‌کند تا دانشگاه‌ها را اسلامی کند چون نابهنجاری‌ها و مشکلات ما در کشور امروز به خاطر این است که دانشگاه‌ها اصلاح نشده و این بار باید این کار انجام شود^{۱۲}»

اسلامی‌سازی دانشگاه‌ها بخشی از طرح بزرگ‌تری است که خامنه‌ای سال‌هاست آن را دنبال می‌کند^{۱۳} مطابق بینش او حالا زمان آن

رسیده که یک تمدن و جامعه (<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/taking-back-neighborhood-irgc->

<https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/taking-back-provincial-guards-mission-re-islamize-iran>)

[neighborhood-irgc-provincial-guards-mission-re-islamize-iran](https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/taking-back-neighborhood-irgc-provincial-guards-mission-re-islamize-iran)) اسلامی

[https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/taking-back-neighborhood-irgc-provincial-guards-mission-re-](https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/taking-back-neighborhood-irgc-provincial-guards-mission-re-islamize-iran)

[islamize-iran](https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/taking-back-neighborhood-irgc-provincial-guards-mission-re-islamize-iran)) کامل تأسیس کرد^{۱۴} از سال ۲۰۱۹ و همزمان با چهل‌مین سالگرد انقلاب او با انتصاب پیروان تندرو و جوان خود در مناصب

غیرانتخابی از قبیل نمایندگان دانشگاهی ایده ایجاد یک دولت اسلامی را فعالانه به کار انداخت^{۱۵} مثلاً او یکی از شاگردان جوان خود

حجت‌الاسلام مصطفی رستمی را به ریاست دفتر نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها منصوب کرد تا «اجرای» پروژه اسلامی‌سازی را

«به طور جدی پیگیری کند».

از یک منظر چنین اقداماتی بی‌نتیجه به نظر می‌رسد چون دو موج قبلی انقلاب فرهنگی استقلال دانشگاه‌های ایران و متعاقباً کیفیت

آموزش موجود را خصوصاً در علوم انسانی و علوم اجتماعی نابود کرد^{۱۶} در نتیجه دانشگاه‌های ایران پیوسته رتبه پایین‌تری از دیگر

دانشگاه‌های منطقه از جمله در عربستان سعودی ترکیه و امارات متحده عربی کسب می‌کنند^{۱۷} این افول به رغم افزایش انبوه تعداد

دانشگاه‌های ایران (از ۲۲ به بیش از ۶۰۰) و تعداد دانشجویان (از ۱۷۵ هزار به تقریباً ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار) از سال ۱۹۷۸ به این سو رخ داده

است^{۱۸}

افول کیفیت آموزش و افزایش ([https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/protests-and-regime-suppression-](https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/protests-and-regime-suppression-post-revolutionary-iran)

[post-revolutionary-iran](https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/protests-and-regime-suppression-post-revolutionary-iran))

[post-revolutionary-iran](https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/protests-and-regime-suppression-post-revolutionary-iran)) سرکوب ([https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/protests-and-regime-](https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/protests-and-regime-suppression-post-revolutionary-iran)

[suppression-post-revolutionary-iran](https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/protests-and-regime-suppression-post-revolutionary-iran)) اجتماعی ([https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/protests-and-](https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/protests-and-regime-suppression-post-revolutionary-iran)

[regime-suppression-post-revolutionary-iran](https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/protests-and-regime-suppression-post-revolutionary-iran))

[regime-suppression-post-revolutionary-iran](https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/protests-and-regime-suppression-post-revolutionary-iran)) و ([https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/protests-and-](https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/protests-and-regime-suppression-post-revolutionary-iran)

[regime-suppression-post-revolutionary-iran](https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/protests-and-regime-suppression-post-revolutionary-iran))

[regime-suppression-post-revolutionary-iran](https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/protests-and-regime-suppression-post-revolutionary-iran)) سیاسی ([https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/protests-and-](https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/protests-and-regime-suppression-post-revolutionary-iran)

[and-regime-suppression-post-revolutionary-iran](https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/protests-and-regime-suppression-post-revolutionary-iran)) منجر به مهاجرت انبوه دانشجویان و استادان شده است^{۱۹} برای همین گفته

می‌شود ایران یکی از بالاترین میزان فرار مغزها در جهان را دارد و انبوهی از جمعیت تحصیلکرده و ماهر خود را که هر ساله به کشورهای دیگر مهاجرت می‌کنند از دست می‌دهد. محمد وحیدی نایب رئیس اول کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس گفته: «در بین ۹۸ کشوری که نخبگان خود را با مهاجرت از دست می‌دهند ایران جزو کشورهایی با بالاترین آمارها قرار دارد». به همین نحو «رصدخانه مهاجرت ایران» اخیراً دریافت که ۳۷ درصد از دارندگان مدال در المپیادهای دانش‌آموزی و ۲۵ درصد از اعضای بنیاد نخبگان به علاوه ۱۵ درصد از رتبه‌های زیر هزار کنکور سراسری کشور را ترک کرده‌اند.

انتخاب رئیسی و انحصار قدرت در دست تندروها میل به مهاجرت را باز هم بیشتر کرده است. بنا به یک گزارش اخیر درباره دارالترجمه‌ها در ایران «شمار تقاضا برای ترجمه مدارک طی سال گذشته در مقایسه با ده تا پانزده سال گذشته افزایش زیادی داشته است» - که منظور اوراق هویتی مدارک تحصیلی و دیگر اسنادی است که فرد برای مهاجرت نیاز دارد. حکومت برای محدودکردن خروج نخبگان نرخ ترجمه اسناد رسمی محضری را افزایش داده است. علاوه بر این رژیم از ترس فرار سریع‌تر مغزها از دانشگاه‌ها خواسته که از صدور نسخه انگلیسی کارنامه تحصیلی برای دانشجویان خودداری کنند و استادان را تشویق کرده که برای دانشجویانی که قصد دارند از دانشگاه‌های خارجی درخواست پذیرش کنند توصیه‌نامه ننویسند.

به رغم تمام این سیاست‌های محدودکننده میل به مهاجرت در میان دانشجویان و استادان دانشگاه نیرومند است نه تنها به خاطر سرکوب سیاسی بلکه همین‌طور به خاطر این‌که ایرانی‌ها امید هر گونه اصلاح معنادار را از دست داده‌اند و حال نگران آینده کشورشان هستند. با درس گرفتن از تاریخ جمهوری اسلامی موج سوم انقلاب فرهنگی هم نخواهد توانست یک نظام آموزش عالی مطیع ایجاد کند یا دانشجویانی به لحاظ ایدئولوژیک وفادار تربیت کند. در عوض بیرون انداختن بهترین مغزها از نهادهای ملی و وادارکردن آن‌ها به خروج از کشور هزینه سنگینی برای ایرانیان به جای خواهد گذاشت.

سعید گلکار استادیار گروه علوم سیاسی و مدیریت دولتی در دانشگاه تنسی در چاتانوگا است.



RECOMMENDED



ARTICLES & TESTIMONY

The Sinister Reason Russia Wants Humanitarian Corridors in Ukraine

مارس ۲۰۲۲



Anna Borshchevskaya

(/policy-analysis/sinister-reason-russia-wants-humanitarian-corridors-ukraine)



BRIEF ANALYSIS

Internet Access in Yemen Should Be an Opportunity for Cooperation, not a Target

مارس ۲۰۲۲



Nadia al-Sakkaf ,
Justin Alexander

(/policy-analysis/internet-access-yemen-should-be-opportunity-cooperation-not-target)



تحلیل کوتاه

ایران گام‌های بعدی را در تکنولوژی ساخت راکت برمی‌دارد

۴ مارس ۲۰۲۲



فرزین ندیمی

(fa/policy-analysis/ayran-gamhay-bdy-ra-dr-tnkwlwzhy-sakht-rakt-brmydard/)

TOPICS

(fa/policy-analysis/dmkrasy-w-aslah/) دمکراسی و اصلاح

(fa/policy-analysis/rb-w-aslam-syasy/) عرب و اسلام سیاسی

REGIONS & COUNTRIES

(fa/policy-analysis/ayran/) ایران